

افراد ناآگاه مرتکب شده‌اند؛ چراکه مابعدالطبیعه، بر اساس محل ذکر این علم بعد از مبحث طبیعیات در کتاب ارسطو بوده و ماوراءالطبیعه، بر اساس وجود مضامین ماورایی در خود علم است؛ بنابراین، رابطه بین فیزیک (طبیعیات) و متافیزیک (مابعدالطبیعه) در علوم این است که متافیزیک عهده‌دار اثبات موضوع علم طبیعیات است و بسیاری از اصول موضوعه علوم در این علم اثبات می‌شود و در مقابل علوم دیگر، در اثبات برخی از مقدمات براین فلسفی، فلسفه را یاری می‌کنند.

• رابطه بین عالم فیزیک با عالم متافیزیک

در جهان خارج بین عالم فیزیک و عالم متافیزیک رابطه جزء و کل است و نسبت بین آنها، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی موضوع علم فیزیک، بخشی از موضوع متافیزیک است؛ چون موضوع علم فیزیک، مادیات است و موضوع متافیزیک مطلق هستی است که هم شامل مادیات(طبیعت) و هم ماورای طبیعت می‌شود.

• رابطه بین فیزیک و ترانس فیزیک

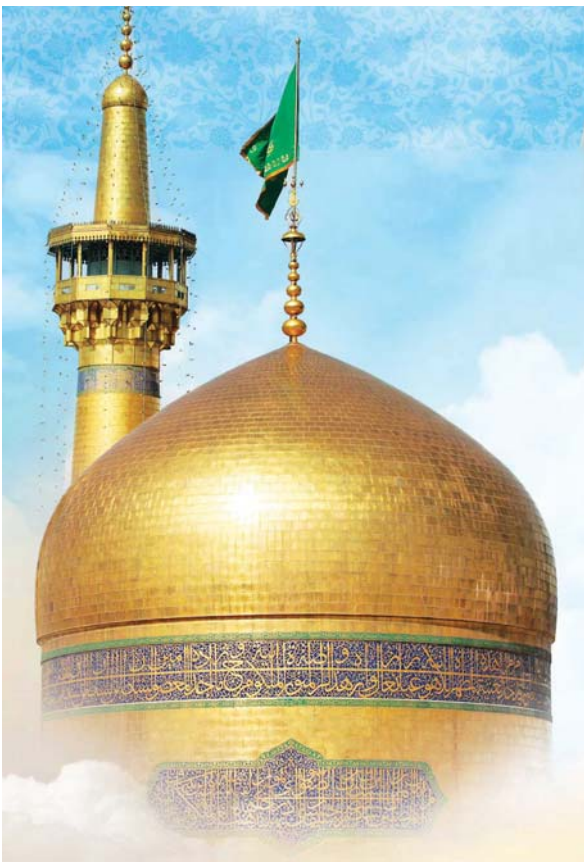
در فلسفه اسلامی رابطه این دو (رابطه بین طبیعت (فیزیک) و ماورای طبیعت (ترانس فیزیک)) رابطه بین علت و معلول است؛ یعنی موجودات ماورایی، علل وجودی این عالم ماده هستند. مادیات همه سراسر محدودیت‌اند و این محدودیت با این گستردگی، در عالم ماورای طبیعت وجود ندارد. همچنین رابطه بین ماده و ماورای ماده، رابطه حقیقت و رقیقت نیز شمرده شده است.

گفتنی است که افلاطون و پیروان او نظام خلقت را در مثل تجسم کرده‌اند. وی عالم را دو بخش کرده است: فیزیک و متافیزیک، عالم ماورای طبیعت اصل است و عالم طبیعت سایه و ظل عالم ماوراست. عالم ماورا، عالم ارباب انواع است که از دیدگاه او مثل الامثال در رأس مخروط قرار دارد و عالم اجسام در قاعده آن. این خلقت مخروطی‌شکل که البته در تصویر می‌توان نظام خلقت او را به‌شکل مخروط تصور کرد؛ بدین‌گونه است که مثل الامثال و رب الارباب^۱ از ذات مبدأ اول به وجود آمده است و فیض به‌تدریج متکثر و ارباب انواع یا امثال تکثر یافته‌اند تا به عالم اجسام که قاعده انواع مخروط است. عالم مثل عالم پایدار است و عالم انواع جسمانیه غیر پایدار و در معرض کون و فساد است.^۵

منبع: اسلام کوئست

• پی‌نوشت‌ها

۱. جمیل صلیبا، فرهنگ فلسفی، منوچهر صائنی دره‌بیدی، ص ۵۷، چاپ اول، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۶۶ ه‍.ش؛
۲. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، ج۱، ص ۹۴، چاپ جدید، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ش، با اندکی تلخیص؛ مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، ج۱، ص ۶۹، چاپ دوم، سازمان تبلیغات اسلامی معاونت فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶ش؛
۳. غرویای، محسن، درآمدی بر آموزش فلسفه استاد مصباح یزدی، ص ۳۳، چاپ سوم، انتشارات شفق، ۱۳۷۳ش؛
۴. مجمع البحوث الاسلامیه، شرح المصطلحات الفلسفیه، ص ۳۵۵، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه‍.ق؛
۵. سجادی، سیدجعفر، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، ص ۳۱۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹ ه‍.ش.



و با از آن می‌پرستند و بر اساس آن حرکت می‌کنند، با آرزمان های نسل جدید همراه شوند. همچنین آنان برای برون رفت از بحران‌ها و چالش‌هایی که جهان اسلام را احاطه کرده است، لازم است نسبت به زمانه [و واقعیت‌های آن] با گشودگی برخورد نمایند.

منبع: شبکه‌التبأ‌المعلوماتية

• پی‌نوشت‌ها

۱. سمیره مختار اللبئی، جهادالشیعة، ص ۲۱۲؛
۲. الشیخ حسن الصفار، إضاءات من سیرة أهل البیت ﷺ، ص ۹۳، ۹۲.



فیزیک و متافیزیک چیست؟

و رابطه آن دو چگونه است؟

فرق بین فیزیک و متافیزیک (ماوراءطبیعت) چیست؟

اگر ماوراء طبیعت حد و مرز برای طبیعت است، چگونه آن را تبیین می‌کنید؟

• معنای فیزیک و متافیزیک

لفظ فیزیک در قدیم و جدید در اصطلاحات مختلفی به‌کار رفته است که در این نوشتار به‌طور اختصار به آن می‌پردازیم؛
واژه فیزیک به علمی اطلاق می‌شود که در مورد پدیده‌های طبیعت مادی از قبیل حرکت، ثقل، فشار، حرارت، نور، صدا، برق و ... تحقیق می‌کند. بحث در این موضوعات، غیر از موضوع ترکیب اجسام است؛ زیرا ترکیب اجسام و تغییراتی که عارض آن می‌شود، فقط در علم شیمی مورد بحث است؛ اما دانشمندان جدید، دو علم فیزیک و شیمی را تحت یک عنوان می‌نامند و آن عبارت است از: «علوم فیزیکی». علوم فیزیکی در مقابل علوم طبیعی و زیستی است که موجودات زنده را مورد بحث قرار می‌دهد. فیزیکی منسوب به فیزیک است و به اموری اطلاق می‌شود که متعلق به پدیده‌های طبیعت مادی است. این اصطلاح در مقابل غیبی است؛ زیرا امر غیبی به پدیده‌هایی که مربوط به حوزه حس و تجربه است، تعلق ندارد؛ بلکه متعلق به چیزی است که برتر از این پدیده‌هاست. نیز این اصطلاح در مقابل روحی است؛ زیرا فیزیکی، چنانکه گفته‌اند، متعلق به پدیده‌های مادی‌ای است که تابع قانون حتمیّت و جبر علمی است؛ اما روحی، متعلق به پدیده‌های نفسانی است که به آزادی متصف می‌شوند.

همچنین فیزیکی در مقابل ریاضی یا نظری است؛

زیرا فیزیکی متعلق به ظواهر اجسام حقیقی است و ریاضی یا نظری متعلق به معانی مجرد است.^۱
ارسطو اولین کسی است که به این موضوع پی برد که یک سلسله مسائل وجود دارد که در هیچ علمی اعم از طبیعی، ریاضی، اخلاقی یا اجتماعی نمی‌گنجد. وی تشخیص داد، محوری که این مسائل را به‌عنوان عوارض و حالات گرد خود جمع کرده، موجود «بما هو موجود است»؛ ولی ارسطو هیچ نامی روی این علم نگذاشته بود؛ اما وقتی آثار او را در یک دائرةالمعارف جمع کردند، این بخش از نظر ترتیب بعد از بخش طبیعیات (فیزیک) قرار گرفت؛ ولی چون نام مخصوص نداشت، به متافیزیک (بعد از فیزیک) معروف شد که ترجمه عربی آن «ما بعدالطبیعه» است.

بر اثر گذشت زمان فراموش شد که نام‌گذاری این علم به‌جهت واقع شدن بعد از مباحث طبیعیات بوده؛ چنین گمان شد، این نام از آن جهت برای این علم گذاشته شده است که مسائل این علم یا حداقل بعضی از مسائل این علم مثل: خدا و عقول مجرد، خارج از طبیعت هستند؛ از این رو برای افرادی مثل ابن‌سینا این سؤال پیش آمد که می‌بایست، این علم را ما قبل‌الطبیعه نام نهاد؛ چراکه خداوند و عقول مجرده از نظر رتبه وجودی، قبل از طبیعت هستند نه بعد از آن.

بعدها در میان بعضی از متفلسفان جدید این اشتباه لفظی و ترجمه‌ای منجر به یک اشتباه معنوی

امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام و چالش‌های فرهنگی

حسین أحمد آل درویش / ترجمه: علیرضا مکتب‌دار؛ طلبه حوزه علمیه و پژوهشگر دینی

دوران زندگانی امام رضا علیه‌السلام شاهد گشایش گسترده و قابل ملاحظه‌ای در برابر فرهنگ‌های وارداتی به‌ویژه فرهنگ یونانی بود. این دوران همزمان بود با جنبش فکری گسترده‌ای که در فعالیت و گسترش خود به اهدافش دست یافته بود. مأمون، خلیفه عباسی اولین کسی بود که دانش‌های حکمی را ترجمه نمود و صاحبان این دانش‌ها را به خود نزدیک ساخت.

در نتیجه این گشودگی، جریان‌های بیگانه و گرایش‌های مختلف فرهنگی کاملاً بیگانه از اسلام پدید آمد؛ به‌ویژه زمانی که ترجمه امپرات علمی یونان [با قدرت هرچه تمام‌تر به دنیای اسلام پا گذارد. در این دوران، مسلمانان شروع به خواندن فلسفه یونانی، پزشکی، شیمی و علوم ادیان مختلف کردند. در نتیجه جهان اسلام، علاوه بر رویارویی با مشکلات سیاسی داخلی در درون جامعه اسلامی و نیز مشکلاتی که در اثر بسط گستره فتوحات اسلامی در خارج از جامعه اسلامی پدید آمده بود، با چالش‌های فرهنگی فراوانی نیز روبه‌رو گردید. هریک از امامان اهل‌بیت علیهم‌السلام در برخورد با جریان‌های بیگانه و رویکردهای متنوع عصر خویش، روشی ویژه داشت و امام رضا علیه‌السلام نیز از این قاعده مستثنی نبود. پس از شهادت امام موسی‌کاظم علیه‌السلام پدر بزرگوار امام رضا علیه‌السلام، آن‌حضرت، سکاندار جنبش و جریان علم و اندیشه شد و مردم –اعم از دانشمند و غیردانشمند– برای دریافت پاسخ پرسش‌های خود، نزد آن‌حضرت آمد و شد می‌کردند و به درس‌ها و خطبه‌های ایشان گوش فرا داده و سوالات خود را در مورد هر آنچه که منظره و بحث و کشمکش درباره آن رخ داده بود، از ایشان می‌پرسیدند.

اشکال متنوع چالش‌های فکری، در گفتمان‌ها و نیز محافل مناظره و با کمک جستن از شاعران، ظهور و بروز می‌یافت. شعر شاعران به‌عنوان بُرنده‌ترین سلاح می‌توانست، به یاری یک اندیشه و از دور خارج کردن اندیشه مخالف، بشتابد از این رو، هر گروه شاعران خودشان را داشت.^۱

در دوران امام رضا علیه‌السلام تشیع گسترش زیادی یافت. ویژگی‌های تشیع آشکار گشت و فقه و دانش‌های شیعی گسترش یافت. همچنین متکلمان شیعی

در روایتی از امام سجاد علیه‌السلام نقل شده که فرمودند: «لا تنامَنَّ قبل طلوع الشمس فاتی اگره‌ها لک، انَّ الله یقسم فی ذلک الوقت ارزاق‌العباد و علی ابدینا یجری‌ها(بحارالانوار ۲۳/۴۶)؛

یعنی دوست ندارم و نمی‌پسندم که شما قبل از طلوع آفتاب بخوابید؛ زیرا خداوند رزق هرکس را قبل از طلوع آفتاب به دست ما اهل‌بیت تقسیم می‌کند. در حال حاضر هم حضرت بقیة‌الله علیه‌السلام مسؤولیت عالم وجود را دارد، رزق جمیع مخلوقات به دست مبارکشان تقسیم می‌شود.

علمای اخلاق دستور می‌دادند، بین الطلوعین بیدار باشید که هم برای جنبه‌های روحانی و هم برای جنبه‌های جسمانی و هم برای توسعه رزق، اثر به‌سزایی دارد.

انسان نباید آخرتش را فدای دنیا کند بلکه دنیا مرزعه آخرت بوده و باید برای آخرتش توشه‌ای جمع کند و از آنچه به دست می‌آورد، انفاق کند که این کار برکت مال دنیا و در آخرت به او کمک می‌کند.

خداوند برای انسان در بعضی از موقع از راهی که گمانی نیست، روزی می‌دهد که به آن رزق بی‌گمان گفته می‌شود و شیعیان باید کاری کنند که رزق و روزی حلال را در همه حال به دست آورند.

غرض اینکه روایات متعددی وارد شده مبنی بر اینکه انسان بین‌الطلوعین بیدار باشد و اول وقت نماز بیدار باش و نمازت را بخوان که هم برای روح و هم برای جسمت و هم برای توسعه رزق اثر دارد. در روایت مذکور امام سجاد علیه‌السلام، ما را از خواب بین طلوعین منع می‌فرماید و این حرف، از ناحیه شخصی است که مسؤولیت عالم وجود به عهده‌اش بود. الان هم حضرت بقیة‌الله علیه‌السلام مسؤولیت عالم وجود را به عهده دارند و رزق جمیع مخلوقات به دست مبارکشان تقسیم می‌شود.

یکی از مظلومیت‌های بزرگ امامان معصوم خصوصاً حضرت علی علیه‌السلام همین است که معنای ولایت آن ذوات مقدسه برای مردم روزگارشان معلوم نبود و لذا مورد ظلم و خصومت واقع شدند.

• تأثیر تسبیح حضرت زهرا علیه‌السلام

همان‌طور که هر میوه و غذایی اثری دارد، هر عبارت و عملی نیز اثر خاص دارد و لذا یکی از اساتید سفارش می‌کردند که این اعمال مستحبی را حداقل در عمرتان یک بار انجام بدهید. اعمال مستحب زیاد است؛ از جمله تسبیح حضرت زهرا علیه‌السلام بعد از نماز که ثواب هزار رکعت نماز را دارد که خیلی مهم است. منقول است که حضرت زهرا علیه‌السلام از پدر بزرگوارشان تقاضاهایی داشتند که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای سهولت و روان شدن کارهای دنیایی ایشان، آن تسبیحات را سفارش فرمودند.

یکی دیگر از آثار تسبیح حضرت زهرا علیه‌السلام همین است که انسان پیوسته به فکر این بزرگوار و مظلومیت‌شان می‌افتد و ارتباطش با ولایت استوار می‌گردد.

وزیر علوم، تحقیقات و فن‌آوری

باید جایگاه علمی قم

در بالاترین سطح مورد توجه قرار گیرد

کارگروه گسترش و برنامه‌ریزی مراکز و مؤسسات آموزشی و پژوهشی خاص حوزوی و دانشگاهی، با حضور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، به‌میزبانی جامعةالمصطفی در قم برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، دکتر زلفی‌گل در این جلسه، ضمن تشکر از میزبانی جامعةالمصطفی، ابراز کرد: این کارگروه فرصت بسیار خوبی برای مراکز و مؤسسات خاص حوزوی و دانشگاهی فراهم نموده است که با برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از ظرفیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرصت‌های بسیار خوبی پدید آورد.

وی تربیت دانش‌آموخته به‌همت نهادهای علمی عضو این کارگروه را منجر به ترویج و گسترش فرهنگ ملی و اسلامی در سراسر جهان دانست و ابراز کرد: ارائه تسهیلات به این مراکز علمی، در حقیقت مسئولیتی ملی است که فرصت‌های فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال خواهد داشت.

وزیر علوم، با تأکید بر جایگاه و اعتبار مراکز علمی و دانشگاهی کشور، تصریح کرد: جایگاه علمی جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه قم، اهمیت بسیار زیادی دارد و باید در همه مسائل علمی و دانشگاهی، به صیانت از این جایگاه در بالاترین سطح توجه نمود.

گفتنی است، در ابتدای این جلسه، رئیس جامعةالمصطفی، ضمن خوش‌آمدگویی به آقای دکتر زلفی‌گل و حاضران، به معرفی اعضای کارگروه پرداخت و در ادامه، برخی مسائل مرتبط با دانش‌پژوهان غیرایرانی در زمینه صدور مدارک، ارائه دکتری پژوهشی، مجوز راه‌اندازی مقطع دکتری غیرحضوری و تسهیل و انعطاف سامانه حس وزارت علوم در جهت بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت استادان حوزه علمیه را مطرح نمود.

همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین پارسانیا، رئیس کارگروه گسترش و برنامه‌ریزی مراکز و مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی خاص هم در این جلسه، با اشاره به پیشینه شکل‌گیری این کارگروه، اظهار کرد: شکل‌گیری این کارگروه به حدود دو دهه پیش بازمی‌گردد و از سال ۱۳۹۴شمسی، اقدامات برای اخذ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی آغاز شد که پس از طی فراز و نشیب‌هایی، هم‌زمان با تشکیل دولت جدید رسمیت یافت.

وی اعضای این کارگروه را نمایندگان مجموعه‌های راهبردی برای نظام آموزشی کشور دانست و ابراز کرد: رابطه حوزه و دانشگاه، یکی از مهم‌ترین مسائل مهم این کارگروه است.